

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

نشست هفتم از سلسله مباحث آیات الاحکام ۲

بعد از انقلاب، تمسک به آیه محاربه و سعی بر جدا کردن دو اصطلاح محاربه و مفسد فی الارض زیاد شد .

در رابطه با آیه محارب اولاً: ما معتقدیم که آیه به دو گروه اشاره نمی کند . (محارب و مفسد) و ثانیاً: من نمی دانم تمسک به آیه مبارکه محاربه با این درجه از توسع از سوی برخی آقایان از کجا آمده است؟!

به هر حال جای کار دارد؛ و من تا حالا ندیدم که در این مورد کسی کاری انجام داده باشد.

در این جلسه بحثی را که می خواهم مطرح کنم، جدید است.

آیات ۱۵ و ۱۶ سوره مبارکه نساء

۳۳ و ۳۴

۳۸ و ۳۹ از سوره مبارکه مائده

۴ و ۵ از سوره مبارکه نور

آیات مربوط به حدود است؛ حد زنا و سرقت و حد محاربه و حد قذف

حدود اصطلاح فقهی دارد.

کلمه حدود که مشخص است به معنای کیفری معین که خداوند متعال قرار داده است.

ما صرفاً با حدود کار داریم نه دیات و نه تعزیرات و نه قصاص.....

باید موقعیت فقهی و شرعی این مساله را بررسی کرد و تفاوت این دو در این است که وقتی نظر فقها را در موضوعی بررسی می کنند می شود موقعیت فقهی و وقتی نظر ادله و اسناد دینی را بررسی می کنیم می شود موقعیت شرعی موضوع.

آیه مبارکه و ۱۵ سوره نساء می فرماید:

وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاَسْتَشْهَدُوا عَلَيْهِنَّ اَرْبَعَةً مِنْكُمْ اِنْ شَهِدُوا فَاَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ اَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلاً

و آیه ۱۶:

وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِهَا مِنْكُمْ فَأَدْوُهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيماً

این دو آیه راجع به حد زنا است.

سوال این است که مخاطب امسکوهن فی البیوت کیست؟

یکی از بحث هایی که در آیات مطرح شده است، بحث توبه است ؛ آیا می دانید که چقدر ابهام دارد؟

یعنی چه «اگر توبه کردند»؟ کی و چگونه این توبه ثابت می شود؟

توبه یک مساله شخصی است «لا یُعَلِّمُ الا من قَبِلَهُ»

و یا آیات ۳۳ و ۳۴ و ۳۸ و ۳۹ سوره مبارکه مائده هم در رابطه با حدود الهی است.

آیات ۳۳ و ۳۴:

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ۚ ذَٰلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ ۖ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

در این آیات بحث توبه مطرح شده است که گفته شده قبل از این که شما ، زناکاران را دستگیر کنید .

و سوال دیگر این که حدودی را که در ایه مطرح شده است، چه کسی عامل اجرای این حدود است؟

عدول مومنین یا حکام یا قضات اجرا کننده اند؟

قرآن در این باره چیزی مطرح نکرده است و البته زمان هم ندارد.

آیات ۳۸ و ۳۹ مائده می فرماید:

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

در این آیه نکته این است که بعد توبه کلمه اصلح را به کار برده است که در آیات دیگر نبود.

سوره مبارکه نور آیه ۴ و ۵ می فرماید:

وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

من دو بحث را می خواهم که مطرح کنم : یکی اجرای حدود الهی در عصر غیبت ؛

ما می خواهیم بر اساس مبانی فقه صحبت کنیم نه یک بحث ژورنالیستی و پوپولیستی ...

ایا اجرای حدود مخصوص عصر حضور است؟

اگر مخصوص عصر حضور نیست، مخاطب اجرا کیست؟

فاجلدوا و فاقطعوا که در آیه آمده چه کسی باید این حدود را اجرا کند؟

و بحث دوم هم بحث توبه است گرچه تمرکز بر بخش و بحث اول است.

این که بگوییم ولایت مطلقه اثباتا و نفیا با اجرای حدود ملازمه دارد، بحثی است. که البته صحیح نیست و ملازمه هم ندارد .اما این که بگویید کسی که ولایت مطلقه را می پذیرد ، راحت تر می پذیرد اجرای حدود را ؛ این بحثی است که قابل قبول می نماید.

آقای خوئی قائل به ولایت مطلقه نیست ؛ ولی از کسانی است که از اجرای حدود در عصر غیبت دفاع می کند.

مخاطب آیات را می توانیم به این شکل بگوییم که مخاطب فاقطعوا، کل جوامع مسلمان در عصر غیبت است ؛ این تا حدی درست است اما این که بگوییم مخاطب شخص خاصی در عصر غیبت است، این گونه نیست.

شیخ انصاری اجرای حدود را در عصر غیبت مشکل می داند .

سوال این است که کسی که دزدی یا زنا کرد یا باید به او گفت برو به امان خدا یا این که برویم سراغ بلژیک و فرانسه و ببینیم آن ها چه می کنند؟

ما اول اصل را مشخص کنیم و بعد برویم سراغ ادله :

به نظر شما این جا اصل بر اجرا است یا عدم اجرا؟

قواعد چه اقتضایی دارد؟ قواعد عام نه اسناد خاص

هر مساله ای را که خواستید کار کنید اول ببینید قاعده چه اقتضا می کند...

باید دید قاعده بر اجرا اصرار دارد یا عدم ...

در واقع در این مورد دو اصل داریم در دو رتبه : اصل اولی یک و اصل اولی دو

بعد می رسیم به ادله خاصه

آرایی که در مساله داریم: الجواز مطلقا

این مطلقا در برابر تفصیلات بعدی است.....

و دوم: عدم الجواز مطلقا

شیخ انصاری در مکاسب معتقد است حدود مربوط به عصر غیبت نیست.

سوم : برخی گفته اند فیه وجهان.....

چهارم: تفصیل است

برخی گفته اند :

جواز الاقامة الفقيه الحدود مطلقا و عدم جواز عدم اقامة الحدود لغير فقيه الا المولى بالسنة للمملوكة

گفته اند شهید ثانی این را گفته است.....

فقيه جامع الشرايط باشد می تواند و همچنین مولى نسبت به مملوكش(که اجرای حدود کند).

نظر دوم این است که اگر فقيه باشد ، آره می تواند و اگر غير فقيه باشد نمی تواند اجرای حدود کند.....

گفته اند این نظر را شيخ مفيد در المقنعة مطرح کرده است.

ابوالصلاح حلبی ، سلالر ، علامه در مختلف دارند.....

تفصیل سوم گفته فقط در مولى و عبد این جریان صدق میکند.

تفصیل چهارم : مولى و عبد و آباء و اولاد و ازواج نسبت به زوجات ...

تفصیل پنجم: هم فقيه هم آباء هم ازواج هم موالی . ..اما غير این ها نه

برای ما اقوال مهم نیست و ادله مهم اند ولی برای آشنایی تا حدی لازم است .

من اول ادله منع را بیان کنم و بعد ادله جواز را مطرح می کنم...

قائلان به عدم جواز چند دلیل دارند.....

یکی ؛ اجماعفقيه بزرگی مثل آقا سيد احمد خوانساری صاحب جامع المدارك ایشان می فرماید که : و اما اقامة الحدود فی غير زمان الحضورو زمان الغيبة فالمعروف عدم جوازاها و دعى الاجماع على عدم الجواز الا للامام او المنصوب من قبله و دعى الاجماع

دلیل دوم : گفته شده که اگر اقامه حدود مصداق امر به معروف بود و نهی از منکر ممکن بود ما قبول کنیم ولی ربطی ندارد به اقامه معروف و امر به معروف و نهی از منکر و چون ربطی ندارد خودش دلیل می خواهد و ما هم دلیل نداریم.

در ادامه می گوید : لكن ليس

میگوید وقتی نشد ادله امر به معروف و نهی از منکر منتفی می شود.

دلیل سوم گفته اند که اجرای حدود ملازم با ایذا و ایلام و قتل است(در محارب و زانی و محصن) . و این ها هم از شئون معصوم است...

لا تجوز لغير النبي و الامام او المنصوب بنصب الخاص

دلیل چهارم : گفته اند از قرآن اصطیاد می کنیم که این کار متعلق به پیغمبر و امام است ؛ مخاطب فاجلدوا یا فاقطعوا ، امام است .

دلیل پنجم:من چیزی نمی بینم ولی ممکن است کسی دلیل جدیدی بیاورد